

# تأثیر نرخ بهره بر بیمه‌های عمر و پس‌انداز

«وقتی که برای علاج یک بیماری، راه‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود، مفهومش این است که آن بیماری غیرقابل علاج است.»

آنتوان چخوف

دکتر محمود جامساز

## نقش بیمه

صنعت بیمه از ابداعاتی است که به منظور پوشش مخاطرات مالی و جانی احتمالی که آحاد مردم طی زندگی و کار روزمره با آن روبرو هستند، به‌ظهور رسیده است. اختراعات و زندگی ماشینی و استفاده از ابزارهای مدرن، ضمن آن که رفاه جامعه را تامین می‌کنند، در برخی موارد به سبب بروز اختلالات ناشی از عملکرد ماشین و کاربر، عامل خسران مالی و جانی می‌شوند و یا وقوع حوادث طبیعی پیش‌بینی‌ناشده‌ای ممکن است که طومار هستی و یا مالی مردم را درهم ریزد. بدین جهت، افراد آینده‌نگر، هوشمند و محتاط، به منظور دستیابی به تامین آینده، در پی بهره‌گیری از ابزارهای پوششی هستند تا مخاطرات پیرامونی خود را به حداقل برسانند. صنعت بیمه چنین امکانی را پیش روی افراد می‌نهد تا با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه، اعتماد و اطمینان و رفاه آتی را خریداری نمایند.

معمولاً مخاطراتی که توسط بیمه پوشش داده می‌شوند، به دو دسته مالی و جانی قابل تقسیم‌اند.

متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله عوامل تاثیرگذار بر تقاضای بیمه اشخاص، به‌ویژه بیمه‌های عمر و پس‌انداز، هستند.

مخاطراتی همچون آتش‌سوزی، سیل، زلزله و توفان در ردیف خطرهای مالی قرار می‌گیرند، اما بیماری، فوت، ازکارافتادگی، نقص عضو به سبب وقوع حوادث ناشی از کار یا اتفاقات غیرمترقبه‌ای مانند تصادفات و غیره، مخاطرات جانی قلمداد می‌شوند. پوشش مخاطرات جانی در زمره بیمه‌های اشخاص طبقه‌بندی می‌شود که خود شامل بیمه عمر به‌شرط فوت، بیمه عمر به‌شرط حیات و بیمه‌های مختلط عمر و پس‌انداز، نقص عضو و ازکارافتادگی است. از مهمترین خصوصیت بیمه‌های عمر و پس‌انداز، تامین خسارات معطوف به فوت بیمه‌شده در مدت بیمه و همچنین فراهم‌سازی سرمایه برای دوران کهولت و ناتوانی ذینفع در پایان مدت بیمه است. بدیهی است که گسترش صنعت بیمه، به‌ویژه بیمه‌های عمر و پس‌انداز، علاوه بر آن که آرامش و اطمینان بیمه‌گذار را تامین می‌کند، از بار مزیتی اجتماعی و اقتصادی نیز برخوردار است.

از منظر اجتماعی، بیمه‌گذار با برخورداری از تامین مالی و جانی، به سلاح اعتمادبه‌نفس مجهز می‌شود و افزایش آرامش خاطر و دستیابی به موقعیتی مطلوب و فارغ از تشویش و نگرانی، وی را در فعالیت‌های روزانه پویاتر ساخته و با تقویت دیدگاه مثبت وی نسبت به پدیده‌های پیرامونی، زمینه‌های تحرک، بهره‌وری و مشارکت عمومی ایجاد

با گسترش بیمه اشخاص، هزینه‌های اجتماعی دولت‌ها کاهش یافته است.

می‌شود و درنتیجه، هزینه‌های اجتماعی دولت کاهش می‌یابد.

به‌لحاظ اقتصادی نیز حق بیمه‌های جمع‌آوری‌شده توسط بیمه‌گر، منابع مالی و پولی قابل توجهی را شکل می‌دهد که با قرارگرفتن در چرخه فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه سرمایه‌گذاری‌های مولد، به افزایش ارزش‌افزوده و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌انجامد و رشد اقتصادی را تقویت می‌نماید. افزایش رشد اقتصادی نیز فزونی عرضه محصول ملی را در پی دارد

بی‌گمان، یکی از سیاست‌های سرکوب مالی، کاهش دستوری نرخ بهره‌های بانکی است.

که پاسخگوی بخشی از تقاضای اضافی ناشی از وفور نقدینگی است و لذا در کاهش تورم موثر می‌باشد.

### بیمه، به مثابه یک هدف استراتژیک

بر این اساس، شایسته است که گسترش بیمه، به‌ویژه بیمه اشخاص، به عنوان یک هدف استراتژیک - یعنی هدفی که تحقق آن در بویایی اقتصاد کشور اثربخش است - مورد عنایت خاص دولتمردان اقتصادی قرار گیرد. در این راستا، قابل ذکر است که عوامل متعددی در گسترش بیمه اشخاص و به‌ویژه تقاضای بیمه‌های عمر و پس‌انداز موثرند، که می‌توان آنها را تحت‌عنوان مولفه‌های فردی و متغیرهای کلان اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار داد. مولفه‌های فردی در نحوه زندگی و جایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه ریشه دارند. این مولفه‌ها مانند دستمزد، درآمد خانوار - که تعیین‌کننده بنیه مالی برای پرداخت حق بیمه است - بار تکفل، وضعیت تأهل، ثروت و میزان ریسک‌گریزی، یا به بیانی دیگر، درجه بیمه‌پذیری افراد، میزان تحصیلات و آشنایی بیمه‌گذار با فواید بیمه، نگرانی از عدم توانایی در تولید درآمد در ایام پیری، اضطراب ناشی از از دست دادن کار و بروز حوادث احتمالی ضمن کار و ظهور نقص عضو و ازکارافتادگی، من حیث المجموع در شکل‌گیری تقاضای بیمه اشخاص موثرند.

از آنجایی که بیمه‌های اشخاص، به‌ویژه بیمه مختلط عمر و پس‌انداز، عنصر پس‌انداز را در ذات خود دارند، لذا با توجه به افزایش درآمد ملی معطوف به کاهش نرخ بهره بانکی، از استعداد رشد برخوردار خواهند شد.

متغیرهای کلان اقتصادی نیز از جمله عوامل تاثیرگذار بر تقاضای بیمه اشخاص، به‌ویژه بیمه‌های عمر و پس‌انداز، هستند. روابط معنی‌دار این متغیرها در تحقیقات و پژوهش‌های علمی و تجربی مختلف به‌اثبات رسیده است. به‌طور مثال، هاموند و همکاران در سال ۱۹۶۷، فورچون در ۱۹۷۳، بابل در ۱۹۸۱، براون و کیم در ۱۹۹۳ از طریق روش‌های علمی و تجربی و مطالعه سری‌های زمانی نشان دادند که رابطه معنادار، اما معکوس، بین تقاضای بیمه

اشخاص با تورم حاکم است. در پژوهشی مشابه، بینستوک ارتباط مثبت تقاضای بیمه عمر را با درآمد اثبات نمود و در تحقیقات دیگری، ارتباط معکوس بین تقاضای بیمه اشخاص با نرخ بیکاری و هزینه‌های اجتماعی دولت مشخص گردید و نشان داده شد که با گسترش بیمه اشخاص، هزینه‌های اجتماعی دولت کاهش یافته است، زیرا گسترش بیمه، به‌ویژه بیمه‌های عمر و پس‌انداز، با به حداقل رساندن مخاطرات پیرامونی بیمه‌گذار، آرامش حاصل از اعتماد وی نسبت به آینده را تقویت کرده و انگیزه‌ها و خلاقیت‌ها را در جهت بهبود وضع زندگی در وی شکوفا می‌کند و زمینه‌های بروز ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی همچون یاس، افسردگی، ناامیدی، خودکشی، طلاق، افزایش سن ازدواج، اعتیاد، وقوع جرایم اجتماعی، اشباع پرونده‌های قضایی و پرشدن زندان‌ها کاهش می‌یابد و اسباب تنازل هزینه‌های اجتماعی دولت فراهم می‌شود.

لازم به ذکر است که خصوصیت بیمه اشخاص که یک درآمد معین و مشخص ماهانه‌ای را پس از فوت ربیب و نان‌آور خانواده برای بازماندگان تامین می‌کند، و یا درآمد مشخصی را برای روزهای درماندگی و یا ازکارافتادگی بیمه‌گذار تدارک می‌بیند، ماهیت این نوع بیمه را از دیگر انواع بیمه‌ها که فطرتی خسارتی و غرامتی دارند، مجزا ساخته و نشان می‌دهد که این بیمه با هدف افزایش رفاه و آسایش انسان در جهت بهبود شاخص توسعه انسانی طراحی شده است. به عبارت دیگر، گسترش بیمه‌های مختلط عمر و پس‌انداز در هر کشور، جنبه‌ای از سطح رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی آن کشور را به تصویر می‌کشد.

### بیمه و توسعه

بدیهی است که توسعه، جامعه را به سوی عقلانیت هدایت می‌کند و لازمه عقلانیت نیز توجه به تمام ابعاد توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. بدین سبب، امروزه صنعت بیمه در کشورهای پیشرفته صنعتی از جایگاه اجتماعی و اقتصادی رفیعی برخوردار شده و رشد بیمه به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی مورد توجه است و کمتر کسی را در جوامع پیشرفته می‌توان یافت که به نحوی از پوشش بیمه‌ای بهره‌مند نباشد. از آنجایی که بیمه برای بیمه‌گذار آرامش و اطمینان و رفاه و برای بیمه‌گر تجارت سودآوری را رقم می‌زند، لذا

ماهیتاً عنصر توسعه را در بطن خود دارد. عناصر توسعه اقتصادی نیز فقط با قرارگرفتن در یک مجموعه به‌هم‌پیوسته و با برخورداری از یک میل ذاتی و فطری ترکیبی با یکدیگر، قادرند که اهداف توسعه را جامه عمل بیوشانند. این مجموعه به‌هم‌پیوسته، همان نظام اقتصاد آزاد رقابتی است که یک منظومه غیرتحمیلی است و از قواعد و سلسله رفتارهای موضوعی و باید و نبایدی تبعیت نمی‌کند، بلکه انتظامش را مدیون فعل‌وانفعالات درونی خویش است. بر این اساس، متغیرهای اقتصاد کلان به‌طور گسست‌ناپذیر به صورت کمیت‌هایی ظاهر می‌شوند که به نحو معنی‌داری با یکدیگر مرتبطاند، بدین مفهوم که نرخ تورم، بیکاری، درآمد ملی، درآمد سرانه، بهره بانکی، حجم پس‌انداز ملی، سطح دستمزدها و دیگر متغیرهای اقتصادی در سطح کلان، کاملاً یکدیگر را توجیه می‌کنند و طبیعتاً نرخ رشد صنعت بیمه نیز در این مجموعه منظوم کمیته قابل‌اعتناست.

هر نوع بیمه، به مثابه یک پس‌انداز مالی است و همانند اوراق قرضه سهام، یا پس‌انداز در بانک‌ها، از جنبه‌های بازدهی اقتصادی برخوردار است.

### علل عدم‌گسترش صنعت بیمه

حال شاید علل عدم‌گسترش صنعت بیمه در کشورهای توسعه‌نیافته و یا در حال رشد، از جمله ایران را به‌خوبی درک کنیم. اقتصاد دولتی، یک مجموعه تحمیلی است که از طریق سلسله قواعد سلبی و ایجابی که بعضاً فی‌نفسه با قواعد و قوانین ذاتی علم اقتصاد در تعارض است، در تلاش است تا به تعادل و نظم نسبی دست یابد. از اینرو، از طریق اعمال سیاست‌های سرکوب مالی، در حاکمیت انحصار دولتی و فارغ از مکانیسم عرضه و تقاضا، درصدد محقق‌ساختن اهداف پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی خویش است. بر این مبنای، در اقتصاد دولتی، متغیرهایی همچون نرخ بهره، نرخ ارز، سطح دستمزد و حقوق، نرخ کالاها و خدمات دولتی و قیمت سهام دولتی، به عنوان متغیرهای ابزار، از طریق دستور و تکلیف قانونگذاری و یا مصوبه‌های هیات‌دولت، بعضاً ناهماهنگ و ناهمگون با بافت و نیازهای واقعی اقتصادی کشور، تعیین می‌شوند تا

متغیرهای هدف مانند تورم، بیکاری، رشد تولید ناخالص داخلی و غیره را که به صورت اهداف کمی برآورد شده‌اند، محقق سازند. این فرایند به مفهوم نفی بازار و رقابت آزاد و استقرار و تحکیم انحصار است که خود مانع اصلی در مسیر توسعه اقتصادی پایدار بشمار می‌رود.

یکی از سیاست‌های سرکوب مالی، بی‌گمان، کاهش دستوری نرخ بهره‌های بانکی است که با هدف افزایش رشد سرمایه‌گذاری‌های مولد، ایجاد فرصت‌های شغلی و کاهش تورم به‌اجرا درآمده است. با توجه به مطالب پیشگفته، گرچه کاهش دستوری نرخ بهره، سیاستی در تعارض با قوانین طبیعی علم اقتصاد، از جمله قانون عرضه و تقاضا و حاکمیت بازار است، اما نباید فراموش کرد که اصولاً اقتصاد ما از نظام اقتصاد آزاد رقابتی تبعیت نمی‌کند تا قیمت‌ها بر مبنای سازوکار بازار مشخص شوند. تاریخ اقتصاد دولتی ما حاکی است که همواره قیمت‌ها در تمام بازارهای پنجگانه - اعم از پول، ارز، کالا، سرمایه و کار - از طریق دستور تعیین شده‌اند. سپردن قیمت‌ها به مکانیسم بازار، مستلزم تغییر ساختار رژیم اقتصاد دولتی به نظام (سیستم) اقتصاد آزاد است، یعنی نظامی که در آن انحصار و شبه‌انحصار محکوم به فناست. لذا تا هنگامی که تغییر و تحول بنیادین ساختاری در اقتصاد دولتی ایران واقع نشود، سپردن قیمت به نابازار انحصارگونه، وضعیت را از آنچه هست، ناگوارتر خواهد ساخت. لذا به‌نظر می‌رسد که تعیین دستوری نرخ پایین برای بهره بانکی، با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، مناسبتر از نرخ‌های بالای بهره است، زیرا به‌خلاف اقتصاد غرب که برای مهار تورم نسبت به افزایش حساب‌شده نرخ بهره مبادرت می‌شود، تجارب اقتصاد دولتی ما نشان می‌دهد که نرخ بالای بهره در غیاب یک بازار سرمایه منسجم و سایر بازارهای جایگزین، عملاً به افزایش هزینه‌های تولید و در نتیجه، به ارتقای سطح قیمت‌ها منجر شده و تورم را گسترش می‌دهد. این امر به معنای نفی ارتباط متقابل و دوسویه این دو متغیر اقتصادی نسبت به یکدیگر نیست، اما با توجه به ماهیت ابزاری متغیر نرخ بهره، به‌نظر می‌رسد که اثربخشی آن بر نرخ تورم بیش از تأثیرگذاری تورم بر نرخ بهره باشد، ولی نباید فراموش کرد که سیاست‌های سرکوب مالی، از آنجایی که با قوانین علم اقتصاد سازگار نیستند، گرچه ممکن است

که در کوتاه‌مدت در رژیم اقتصاد دولتی اثربخش باشند، اما بی‌تردید، تداوم آنها سبب‌ساز تضعیف و ازهم‌پاشیدگی بیشتر اقتصاد دولتی خواهد شد.

### رابطه نرخ بهره با پس‌انداز

حال باید دید که کاهش نرخ بهره تسهیلات بانکی چه تأثیری بر حجم سپرده‌های بانکی و به مفهوم دیگر، بر پس‌انداز ملی خواهد گذاشت. این نکته در بحث ما از آن جهت دارای اهمیت است که هر نوع بیمه، به مثابه یک پس‌انداز مالی است و مانند اوراق قرضه سهام، یا پس‌انداز در بانک‌ها از جنبه‌های بازدهی اقتصادی برخوردار است. در بیمه‌های اشخاص، این خصوصیت بیمه بیشتر ملموس است. به‌طور مثال، در بیمه عمر به شرط حیات، بیمه‌گزار آینده معیشت خود را در اثر احتمال ازکارافتادگی و نقص عضو و پیری بیمه می‌کند، یعنی مبالغی پول را به طور ماهانه پس‌انداز می‌کند تا تأمین آتی رابه‌دست آورد.



② جان مینارد کینز نیز به‌رغم نظریه‌پردازان مکتب بولی اتریش، رابطه بین سود سپرده و میزان حجم پس‌انداز را نفی کرده و بر این اعتقاد بوده که پس‌انداز ملی، تابعی از درآمد ملی است نه نرخ بهره.

از سوی دیگر، در محاسبه بیمه‌های عمر، علاوه بر ارزیابی ریسک و هزینه‌های اداری، عوامل دیگری مانند سود پول و تورم نیز موردتوجه قرار می‌گیرند. از این رو، بحث محوری ما به تدریج در خصوص تأثیر نرخ سود بانکی به عنوان یکی از متغیرهای اقتصاد کلان، بر روی بیمه اشخاص شکل می‌گیرد. بدین منظور، ابتدا تأثیرات متقابل نرخ بهره و پس‌انداز را در اقتصاد دولتی ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

کاهش سود تسهیلات بانکی که از سوی شورای پول و اعتبار به ۱۴ درصد تقلیل یافت و مصوبه طرح منطقی‌کردن نرخ سود بانکی که به موجب آن، قرار است تا پایان برنامه چهارم توسعه، سود تسهیلات تک‌رقمی شود، طبیعتاً نظام بانکی کشور را به واکنش‌های نظری واداشت. در این راستا، بانک مرکزی کاهش نرخ سود تسهیلات را بدون تقلیل نرخ سود سپرده‌ها، اقدامی غیرمنطقی و غیرعقلایی دانسته و بر این اعتقاد است که در صورت عدم کاهش نرخ سود سپرده‌ها، چنین فرایندی قطعاً به ورشکستگی بانک‌ها منجر می‌شود. از سوی دیگر، چنانچه سود سپرده‌های بانکی تنزل کند و در جایگاهی فروتر از نرخ تورم قرار گیرد نیز اسباب تخلیه بانک‌ها از سپرده‌های اشخاص حقیقی و حقوقی فراهم می‌شود و به کاهش منابع تسهیلات بانکی می‌انجامد. چنین استدلالی، گرچه از منطبق نظری و عملی برخوردار است، اما در اقتصاد دولتی ایران تجارب متفاوتی رقم خورده است، و رابطه علی بین نرخ سود بانکی، حجم پس‌انداز و نرخ تورم را به رغم آنچه در نظام اقتصاد سالم و آزاد حاکم است، دگرگون ساخته. مدلول این مدعا هم در آمارهای بانک مرکزی نهفته است.

روند تغییرات اجزای نقدینگی از سال ۶۸ تا پایان ۸۴، حاکی از آن است که سهم پول (مجموع اسکناس و مسکوک نزد مردم و سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها) از ۵۴ درصد نقدینگی، به ۳۴/۵ درصد و سهم شبه‌پول (سپرده‌های مدت‌دار) از ۴۵/۸ درصد، به ۶۵/۵ درصد کل نقدینگی رسیده که به مفهوم افزایش میزان سپرده‌گذاری مدت‌دار است. آمار دیگری حاکی از آن است که سپرده‌ها در همین دوره، از ۸۰۸۰/۲ میلیارد ریال، با رشد ۱۰۴ برابری، به ۸۴۳۳۲۵ میلیارد ریال بالغ شده و سپرده‌های غیردیداری (مدت‌دار) بین ۶۰ تا ۶۷/۵ درصد کل سپرده‌ها را تشکیل داده است. این ارقام وقتی معنا می‌دهد که بدانیم نرخ سود سپرده‌ها - به جز یکی دو سال - در سطحی پایین‌تر از نرخ تورم در مدت مذکور قرار داشته است، اما با این حال، ۹۳ درصد از کل نقدینگی توسط بانک‌ها جذب شده است.

با استعانت از تجزیه و تحلیل آمارهای برگرفته از انتشارات بانک مرکزی ایران، در خصوص روند تغییرات متغیرهای نرخ تورم، نرخ بهره‌های بانکی و روند روبه‌افزایش سپرده‌های مدت‌دار و تغییرات

انجام یافته در ترکیب نقدینگی که نشاندهنده روند افزایشی حجم شبه پول (سپرده های مدت دار) و روند نزولی حجم پول است، به این نتیجه خواهیم رسید که هیچگونه رابطه علی بین نرخ سود سپرده های بانکی، میزان سپرده گذاری (پس انداز) و تورم وجود نداشته، بلکه عوامل دیگری در تصمیم سپرده گذاران نسبت به سپرده گذاری در بانکها موثر بوده اند که به طور خلاصه، می توان به ریسک پایین، مالیات صفر، موازین شرعی و نبود سایر بازارهای پولی و مالی مطمئن اشاره نمود.

جان مینارد کینز، اقتصاددان شهیر انگلیسی نیز به رغم نظریه پردازان مکتب پولی اتریش، رابطه بین سود سپرده و میزان حجم پس انداز را نفی کرده و بر این اعتقاد بوده که پس انداز ملی، تابعی از درآمد ملی است نه نرخ بهره، و هرچه درآمد ملی افزایش یابد، بر میل نهایی به مصرف و میل نهایی به پس انداز افزوده می شود، اما میل نهایی به پس انداز، بیش از میل نهایی به مصرف مستعد افزایش است و برعکس، در کاهش درآمد ملی چنین فرایندی معکوس می شود. استدلال ملموس تر آن که، اگر همه درآمد افراد مصروف هزینه های جاری شود، در حاکمیت نرخ بالای بهره، اساساً هیچگونه پس اندازی شکل نمی گیرد، زیرا چیزی برای پس انداز نمی ماند. از سوی دیگر، آن بخش از درآمد مازاد بر مصرف نیز فارغ از هرنوع نرخ سودی - حتی صفر درصد - به ناچار پس انداز می شود.

### افزایش درآمد و تقاضای بیمه

سخن آخر آنکه با توجه به این حقیقت که بین پس انداز و درآمد ملی رابطه معنی دار مستقیمی برقرار است، لذا طبیعتاً افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه، تقاضای بیمه های عمر و پس انداز را افزایش می دهد،

اما از طرفی، نمی توان ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی و فعل و انفعالات و کنش های متقابل آنها را به صورت یک کل به هم پیوسته نادیده انگاشت. لذا بر اساس این قاعده کلی، نمی توان منکر رابطه ای شد که در واقعیت های اقتصادی به طور غیرمستقیم، بین متغیر نرخ بهره و پس انداز برقرار می گردد، زیرا به هر حال، پس انداز ملی از طریق درآمد ملی با نرخ بهره پیوند می خورد. علت هم آنست که کاهش نرخ بهره، سبب رشد سرمایه گذاری مولد، تنازل هزینه های تولید و افزایش درآمد ملی می گردد. گرچه رابطه مستقیم بین نرخ سود تسهیلات و رشد سرمایه گذاری نیز از سوی نیوکلاسیک ها نفی شده است، اما این دو متغیر نیز به واسطه نرخ بازده نزولی سرمایه به طور غیرمستقیم با یکدیگر مرتبط می شوند، بدین مفهوم که اگر نرخ بازده نهایی سرمایه بالا باشد، سرمایه گذار از نرخ بالای بهره تسهیلات هم استقبال می کند، اما در تنازل نرخ بازده نهایی سرمایه - که مبتلابه سرمایه گذاری مولد در کشور ما نیز هست - سرمایه گذار در پی اخذ تسهیلات ارزان قیمت خواهد بود. پس می توان نتیجه گرفت که کاهش نرخ سود تسهیلات، به نحوی که سرمایه گذاری از منظر نرخ بازده نهایی سرمایه توجیه پذیر باشد، موجبات افزایش سرمایه گذاری مولد، ارزش افزوده و درآمد ملی را فراهم نموده و در نتیجه، میل نهایی به پس انداز را تحریک می کند و بر حجم پس انداز (عرضه سپرده گذاری) می افزاید.

حال از آنجایی که بیمه های اشخاص، به ویژه بیمه مختلط عمر و پس انداز، عنصر پس انداز را در ذات خود دارند، لذا با توجه به افزایش درآمد ملی معطوف به کاهش نرخ بهره بانکی، از استعداد رشد برخوردار خواهند شد. اما این فرایند در صورتی محقق می شود که سیاست های پولی و مالی هماهنگ و تکمیلی در

جهت تحقق اهداف ناشی از کاهش سود بانکی که همانا افزایش سرمایه گذاری های مولد و درآمد و کاهش تورم است، اتخاذ گردد. اما متأسفانه روند سیاست گذاری های کنونی چنین تصویری را ترسیم نمی کند. شاهد مثال هم آن که، تصمیم اخیر شورای عالی کار دایر بر افزایش دستمزدها (که ۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه تولید را شامل می شود) به میزان ۳۰ تا ۴۰ درصد، و سپس کاهش آن به سبب واکنش کارفرمایان، و بلا تکلیفی صاحبان صنایع در مواجهه با تزلزل و حالت آونگ گونه سیاست گذاری های دولت، به تنهایی کفایت تا اثربخشی سیاست های کاهش نرخ بهره بانکی را خنثا سازد. ■

### مآخذ

- ۱) سالنامه آماری کشور / ۱۳۸۳ / سازمان مدیریت و برنامه ریزی / مرکز آمار ایران.
- ۲) ژان لوک اوبر / بیمه عمر و سایر بیمه های اشخاص / مترجم دکتر محمود صالحی.
- ۳) دکتر منوچهر زندی حقیقی / تعادل و عدم تعادل اقتصادی / انتشارات دانشگاه تهران / ۱۳۴۵.
- ۴) دکتر محمود جامساز / رویارویی دو جبهه، اما با یک هدف: سرکوب مالی / مجله بانک و اقتصاد / فروردین ۸۴ / شماره ۵۶.
- ۵) دکتر محمود جامساز / طرح منطقی کردن سود بانکی، بانک مرکزی در بوته نقد و بررسی / مجله بانک و اقتصاد / مرداد ۸۵ / شماره ۷۲.
- ۶) فصلنامه علمی - ترویجی صنعت بیمه / بیمه مرکزی ایران / شماره ۷۸.
- 7) Fortune Peter / 1973 / A Theory of Optional Life Insurance / 27.
- 8) Babel, D.F / 1981/ Inflation Indexation and Life Insurance Sale in Brasil / Journal of Risk and Insurance / 48.
- 9) Browne and Kim / 1993 / An International Analysis of Life Insurance Demand / Journal of Risk and Insurance / 60.

**برای استفاده از خدمات سیستم اشتراک، با تلفن شماره ۸۸۹۵۱۳۲۹ و یا**

**با نشانی زیر با ما تماس بگیرید.**

تهران - خیابان حجاب - کوچه سوم - شماره ۱۳